

عاشورا، نمایشگاه فضایل و رذایل اخلاقی

<"xml encoding="UTF-8?">

قیام امام حسین (ع) از سویی تجلی گاه خصلت های پاک انسانی و فضایل اخلاقی در جبهه حق، و از سوی دیگر محل بروز و ظهور رذایل اخلاقی در جبهه باطل است. عاشورا، میدان مسابقه خصلت های پاکی است که ریشه در افکار درخشان رسول گرامی اسلام (ص) دارد. حسین (ع) و یاران وفادارش، برای احیاء این خصلت ها قیام کردند و به همین خصایل نیز مشهور شدند. در جبهه مقابل نیز، دشمنان گرفتار رذیله های اخلاقی بودند و به همان رذایل معروف شدند. اینک برخی از آن فضایل و رذایل اخلاقی را برمی شمیریم:

فضایل اخلاقی

1. ایمان بنابر روایات، ایمان به معنای دلبستگی به خدا، به زبان آوردن اعتقادات و عمل کردن با اعضای بدن است. 1

ایمان امام حسین (ع) و یارانش را می توان در جریان مهلت خواستن ایشان در عصر تاسوعا برای عبادت بیشتر و به زبان آوردن عشق پروردگار یافت.

«حضرت [امام حسین (ع)] وقتی روز نهم محرم دریافت که دشمنان در تعجیل جنگ حرص می ورزند و محاصره را تنگ تر می کنند و کمتر به پندها و اندرزها توجه دارند، به حضرت عباس 7 فرمود: اگر بتوانی امروز دشمنان را از جنگ با ما منصرف سازی این کار را انجام بده، به امید آنکه امشب برای پروردگاران نماز بخوانیم؛ چرا که خدا می داند من نماز برای او و تلاوت آیات قرآنش را دوست دارم». 2

2. تصدیق «تصدیق، عبارت است از قبول حق و اعتقاد ثابت و جازم به آن». 3

این خصلت والای اخلاقی را در یاران امام حسین (ع) می توان دید. روز عاشورا وقتی حضرت اباعبدالله 7 از حقیقت ایمان به خدا و امامت خویش و سخنان پیامبر 6 درباره خود سخن می گوید، شمر در پاسخ حضرت می گوید: «من خدا را با شک و تردید عبادت کرده باشم، اگر بدانم که تو چه می گویی». حبیب بن مظاهر که این صفت عالی را در وجود خود داشت، برآشفته و گفت: «شمر! به خدا سوگند! می بینم که تو با هفتاد شک و تردید خدا را عبادت می کنی و من گواهم که حق همین است که حسین (ع) می گوید؛ اما قلب تو سیاه و مهر شده است». 4

3. رجاء امید و رجاء که سبب آن معرفت به لطف و کرم خدا و کثرت انعام و احسان او است و شناختن صدق

وعدة او در عطاها و اجر و ثوابی که برای بندگان مقرر فرموده است. 5

معرفت یاران امام حسین (ع) به لطف و کرم خدا و احسان او، همه را شیفته شهادت و یاری حسین (ع) کرده بود؛ چنانچه مسلم بن عوسجه، شب عاشورا از میان اصحاب بلند شد و گفت: «اگر هزار بار قطعه قطعه شویم،

دست از یاری شما بر نمی داریم». پس از این سخنان بود که امام حسین (ع) دوباره به احسان و لطف خدا امید داد و فرمود: «أثابکم الله علی ما تنوون الجنه، جزاکم الله خیراً؛⁶ خداوند به سبب آنچه در دل دارید و نیت کرده اید، بهشت عطایان کند و بهترین پاداش را به شما عنایت فرماید».

4. رضا «عبارت از خشنودی بنده از حق تعالی شأنه و اراده او و مقدرات او می باشد». ⁷ البته صفت رضا هم مثل سایر صفات اخلاقی، دارای مراتب است. مراتب اعلای آن که از والاترین مراتب کمال و بزرگ ترین مقامات اهل جذب و محبت است را می توان در آخرین جملات امام حسین (ع) در روز عاشورا، مشاهده کرد؛ آن گاه که در گودال قتلگاه فرمود:
«الهی. . . رضاً برضاک، لا معبود سواک. . . 8؛ خدایا! . . . از همه مقدرات تو راضی ام، و معبودی جز تو ندارم».

5. وفا به معنای باقی ماندن بر عهد و پیمان است. این صفت اخلاقی، در صحنه های فراوانی از نمایشگاه زیبای عاشورا نمایان است. یکی از یاران امام حسین (ع) به نام عمرو بن قرطه انصاری پیوسته گرد امام (ع) طواف می کرد و می گفت: «تا زنده ام، نمی گذارم تیری به امام اصابت کند». تیرهای زیادی به بدن او اصابت کرد و روی زمین افتاد. وقتی امام (ع) سر او را به دامن گرفت، عرض کرد: «أوفیت؟ آیا وفادار بودم؟» امام (ع) فرمود: «نعم؛ أنت أمامی فی الجنة. . . 9؛ بله؛ تو وفادار بودی و قبل از من وارد بهشت می شوی. سلام مرا به جدم برسان. . .».

6. صبر «خود نگه داری در مقابل گرفتاری ها و حفظ زبان از گلیه و شکوه در برابر ناملایمات است». ¹⁰ عاشورا و نهضت امام حسین (ع) و یارانش، این خصلت پاک انسانی را به نمایش گذاشت. در تحمل شهادت ها و اسارت ها و حتی استقبال از آن، صبر عاشورائیان، الگو و نمونه است. امام (ع) در جمله ای، اهل بیت و یاران خود را این گونه به صبر سفارش فرمود: «صبراً بنی الکرام فما الموت إلا قنطرة تعبر بکم عن البئوس و الضراء إلى الجنان الواسعة و النعیم الدائمة. . . 11؛ ای اهل کرامت و بزرگواری! صبر کنید؛ چرا که مرگ، همانند پلی است که شما را از گرفتاری ها و مشکلات، به بهشت وسیع و نعمت های جاویدان منتقل می کند. . .».

7. عدل «پرهیز از آزار رساندن به برادران دینی و رساندن حق، به هر صاحب حقی را عدل گفته اند». ¹² دعوت به عدل در قول و عمل را باید در جریان عاشورا دنبال کرد. موارد فراوانی از تبلور عدل و عدالت ورزی در صحنه های عاشورا و قبل و بعد از آن یافت می شود. وقتی سفیر امام حسین (ع)، مسلم بن عقیل به دست مردم کوفه اسیر و به دارالعمارة آورده شد، ابن زیاد به او گفت: «ای پسر عقیل! آمده ای میان مردم تفرقه بیندازی؟» مسلم با دستان بسته و بدن خون آلود گفت: «بل جئت لأمر بالعدل و أدعوا إلى حکم الکتاب. . . 13؛ بلکه آمده ام به عدل و حکم کتاب خدا دعوت کنم».

8. تعهد و احساس مسؤولیت از صفات عالیة اخلاقی، این است که انسان خود را مقابل دین، جامعه و آنچه اطراف او می گذرد، مسؤول بداند. یکی از مهم ترین ریشه های نهضت عاشورا، همین صفت عالی انسانی است. امام حسین (ع) در مناجاتی، از این

صفت الهی سخن گفته است:

«اللهم إنك تعلم أنه لم يكن ما كان منا تنافساً في سلطان و لا التماساً في فضول الحطام و لكن لنرى المعالم من دينك و نظهر الاصلاح في بلادك و يأمن المظلومون من عبادك. . . 14؛ خدایا! تو می دانی که برای قدرت طلبی یا دنیا خواهی راه نیفتاده ایم؛ بلکه می خواهیم مظاهر دین تو را در عالم ببینیم و در سرزمین های اسلامی، اصلاحگری کنیم و برای مظلومان، امنیت فراهم نماییم».

9. توکل «به معنای منقطع شدن بنده است از خلق خدا، در هر چه که امیدوار بود از خلاق؛ و اعتماد و تکیه بر خدا». 15

در تابلوی عاشورا، انقطاع از غیر خدا، در یاران امام و در شخصیت سیدالشهداء 7 جلوه گر است. حضرت در آخرین جملات خود به آن تصریح فرمود: «أَتَوَكَّلُ عَلَیْكَ كَافِیاً؛ 16 بر تو توکل می کنم (و همین توکل) مرا کفایت می کند».

10. زهد «ترک دنیا و اعراض از آن و (عدم دلبستگی) و بی میلی و بی رغبتی به زخارف آن و حقیر و قلیل شمردن دنیا است». 17

نمایشگاه عاشورا، تجلی گاه عالی ترین درجه زهد است که گذشتن از همه تعلقات دنیا، حتی از جان و عزیزترین یاران و اصحاب است. در این باره سخنان فراوانی از امام (ع) و یاران باوفایش نقل شده است؛ از جمله این شعر:

«یا أهل لذة دنیا لابقاء لها

إن اغتراراً بظل زائل حمق» 18

ای اهل خوش گذارانی! بدانید که لذت دنیا دوام ندارد؛ و مغرور شدن و دل خوش کردن به سایه ای که رفتنی است حماقت است.

ردایل اخلاقی

1. کفر «چشم پوشی از اطاعت خداوند و گرفتار شدن به اطاعت شیطان است». 19
دشمنان اباعبداللہ 7 گرفتار این رذیله بزرگ بودند. حضرت در منزلگاه بیضه فرمود: «ألا و إن هؤلاء القوم لزموا طاعة الشیطان و ترکوا طاعة الرحمان و أظہروا الفساد و عطلوا الحدود. . . 20؛ آگاه باشید که این قوم، ملازم اطاعت شیطان شده و از اطاعت خدا سر باز زده اند، و فساد را آشکار کرده و حدود الهی را تعطیل کرده اند. . .».

2. جور «به معنای عدول از طریق حق و تعدی و تجاوز می باشد». 21
از شدیدترین مصادیق جور، زمانی است که شمر بر روی سینه امام نشسته بود. حضرت به او فرمود: «اتقتلنی و لاتعلم من أنا؛ آیا مرا می کشی؛ در حالی که مرا نمی شناسی؟» در پاسخ گفت: «أعرفك حق المعرفة أمک فاطمه الزهراء و ابوک علی المرتضی و جدک محمد المصطفی و خصمک العلی الاعلی أقتلک ولا أبالی 22؛ تو را به خوبی می شناسم مادرت فاطمه زهرا 3 و پدرت علی مرتضی 7 و جدت محمد مصطفی (ص) و دشمن تو خداست؛ تو را می کشم و باکی ندارم».

3. حرص بر دنیا «شدت علاقه نفس به دنیا و شئون آن و کثرت تمسک به اسباب دنیا و توجه قلب به آن است».

این رذیله اخلاقی در بسیاری از یاران دشمن - به خصوص در فرمانده آنان، عمر بن سعد - باعث جنایات زیادی در کربلا شد. وقتی بریر برای نصیحت عمرسعد آمد و گفت: «تو بین اهل بیت پیغمبر: و فرات حایل شده ای؛ در حالی که آنها تشنه اند.» عمرسعد در پاسخ گفت: «والله أعلمه یا بریر علماً یقیناً أنّ کل من قاتلهم و غصب حقهم فی النار لامحالة و لکن ویحک یا بریر أتشیر علی أن أترک ولایة الری فتصیر لغیری؛ 24 بریر! یقین دارم هر کس با حسین بجنگد، اهل جهنم است؛ اما می گویی ولایت ری را رها کنم تا به دیگری برسد؟».

4. حمق حالت کدورت و ظلمت نفس است که موجب عدم ادراک حقایق است. 25
امام سجاد 7 از بروز این رذیله در همه سپاهیان یزید، این گونه حکایت می فرماید: «لایوم کیوم الحسین ازدلف إلیه ثلاثون ألف رجل یزعمون أنهم من هذه الأمة کل یتقرب إلی الله عزوجل بدمه. . . 26؛ هیچ روزی مثل روز حسین نبود؛ چرا که سی هزار نفر که خود را از امت پیامبر 6 می دانستند، اطراف او جمع شدند و همه برای قرب به خدا در کشتن او تلاش می کردند».

5. هتک «عبارت از خرق و پرده دری است، درباره آنچه احترام دارد». 27
به یقین احترام امام (ع) از مهم ترین وظایف امت اسلامی است و کوتاهی در این زمینه، از زشت ترین نوع هتک است. در جریان نهضت عاشورا، بارها بی حرمتی به حضرت سیدالشهداء 7 اتفاق افتاد. وقتی حضرت برای حفاظت از خیمه ها خندقی حفر کرده و درون آن آتش برافروخت، شمر - لعنة الله علیه - که از کنار آن خندق عبور می کرد، خطاب به امام (ع) هتک حرمت کرد و گفت: «یا حسین! أتعجلت بالنار قبل یوم القيامة؛ حسین! قبل از قیامت، به سوی آتش می شتابی؟» امام (ع) در پاسخ فرمود: «أنت أولى بها صلیاً؛ 28 تو برای دخول در آتش سزاوارتری».

6. جحود «عبارت است از انکار حق و رد آن، و خاضع نشدن برای حق و در برابر حق است». 29
امام حسین (ع) روز عاشورا، ابن سعد را به حق دعوت می کرد و می فرمود: «از خدا و قیامت پروا کن و این قوم را رها نما و با من باش». او در پاسخ امام (ع)، بهانه می آورد که «خانه ام را خراب می کنند و اموال را مصادره می کنند و از خانواده ام می ترسم». امام (ع)، همه اینها را بر او تضمین کرد؛ اما باز حق را نپذیرفت و به انکار خود ادامه داد، تا اینکه حضرت از او روی برگرداند و فرمود: «خداوند، تو را به زودی در بستر بکشد و روز حشر، تو را نیامرزد. . . 30».

7. حقد و کینه «پنهان کردن دشمنی در دل است که نتیجه آن، حسد و ایذاء به کسی است که دشمنی او در دل جای گرفته است». 31

سپاهیان یزید، در برخی از مراحل نبرد عاشورا، از این رذیله اخلاقی خود پرده برداشتند و آن را به زبان آوردند. عصر عاشورا که امام تنها شده بود فرمود: «چرا با من می جنگید؟ آیا سنتی را تغییر داده ام؟ یا شریعتی را عوض کرده ام؟ یا جرمی مرتکب شده ام؟ یا حق را ترک کرده ام؟» در پاسخ گفتند: «أنا نقتلک بغضاً لأبیک؛ ما به سبب دشمنی با پدرت با تو می جنگیم». 32

8. مکر و خدعه از صفات شیطانی است و مراد از آن جستن راه های پنهان برای اذیت رساندن به دیگران است.

34

دشمنان اهل بیت: که این صفت در تمام اعمالشان در جریان عاشورا ظهور و بروز داشت بیشترین اذیت را از راه مکر و خدعه به خاندان نبوت: رساندند تا جائیکه به این رذیلة اخلاقی معروف شدند. حضرت زینب³ در خطبة خودشان در کوفه، اهل کوفه را با این صفت صدا زدند: «یا اهل الکوفه، یا اهل المکر والغدر و الخیلاء. . .»³⁵ و پس از ایشان امام سجاد⁷ نیز در شهر کوفه همین رذیلة اخلاقی را به مردم کوفه گوشزد کردند آنجا که فرمودند: «. . . کتبتم الی ابی و خدعتموه. . .»³⁶ با نامه از پدرم دعوت کردید و با او خدعه کردید».

9. فسق به معنای خروج از دین به دلیل ارتکاب گناهان بسیار است؛ حالتی که در اثر ارتکاب گناهان بزرگ، بر دل انسان چیره می شود. 37

حضرت زینب³ به این صفت زشت در مجلس ابن زیاد اشاره کرد؛ آنجا که او خطاب به زینب³ گفت: «الحمد لله الذی فضحکم. . .» و حضرت زینب³ فرمود: «انما یفتضح الفاسق و یکذب الفاجر. . .» و سپس آن جمله معروف را فرمود که «مارأیت إلا جمیلاً. . .»³⁸

10. قساوت و سنگدلی که در اثر آن، رأفت و رحمت از دل انسان می رود.

در جریان عاشورا یکی از مراحل بروز و ظهور این رذیلة اخلاقی وقتی بود که امام (ع) فرزند کوچک خود را بر روی دست آورد و فرمود: «یا قوم! ان لم ترحمونی فارحموا هذا الطفل!؛³³ ای مردم! اگر به من رحم نمی کنید، پس به این کودک رحم نمایید».

پای نوشت ها :

1. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، جامعه مدرسین، 1404ق، دوم، ص 57.
2. لهوف، سید بن طاووس، نورالهدی، 1417ق، ص 54.
3. شرح حدیث جنود عقل و جهل، امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، 1378ش، ج 1، ص 113.
4. ارشاد، شیخ مفید، تهران، اسلامیة، 1380ش، ص 450.
5. معراج السعادة، ملا احمد نراقی، قم، هجرت، 1377ش، ص 852.
6. لهوف، سید بن طاووس، ص 40.
7. شرح حدیث جنود عقل و جهل، امام خمینی (ره)، ص 161.
8. من اخلاق الامام حسین (ع)، عبدالعظیم مهتدی بحرانی، نشر شریف رضی، 1421ش، ص 15.
9. لهوف، سید بن طاووس، ص 46.
10. منازل السائرین، خواجه عبدالله انصاری، تهران، دارالعلم، 1417ق، ص 70.
11. معانی الاخبار، شیخ صدوق، قم، نشر اسلامی، 1379ش، ص 289.
12. جامع السعادات، ملامهدی نراقی، بیروت، نشر اعلمی، چهارم، ج 1، ص 398.
13. بحارالانوار، علامه مجلسی، بیروت، نشر وفا، 1404ق، ج 44، ص 352.

14. تحف العقول، ص 239.
15. شرح حديث جنود عقل و جهل، ج1، ص 199.
16. بحارالانوار، ج 98، ص 347.
17. شرح حديث جنود عقل و جهل، ج1، ص 293.
18. بحارالانوار، ج 44، ص 194.
19. مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهاني، دمشق، نشر دارالقلم، 1412ق، ص 714.
20. مقتل الحسين (ع)، ابو مخنف ازدي، قم، مطبعة العلميه، 1370ش، ص 85.
21. شفاء الصدور، ميرزا ابوالفضل تهراني، تهران، نشر مرتضوي، 1376ش، ص 195.
22. موسوعة كلمات الامام الحسين (ع)، لجنة الحديث في معهد الامام الباقر، ص 616.
23. شرح حديث جنود عقل و جهل، ج 1، ص 217.
24. مواقف الشيعة، احمدى ميانجى، قم، نشر اسلامى، 1416ق، ج 2، ص 193.
25. شرح حديث جنود عقل و جهل، ج1، ص 269.
26. بلاغة امام على بن الحسين (ع)، جعفر عباس حائرى، دارالحديث، 1383ش، ص 253.
27. شرح حديث جنود عقل و جهل، ص 279.
28. ابصارالعين في انصار الحسين (ع)، علامه سماوى، نشر حرث الثورة الاسلاميه، 1377، ص 109.
29. شرح حديث جنود عقل و جهل، ج1، ص 113.
30. موسوعة كلمات الامام الحسين (ع)، ص 469.
31. علم اخلاق اسلامى، سيد جلال الدين مجتبوى، نشر حكمت، 1377، ج 2، ص 379.
32. ينابيع المودة، قندوزى، نشر اسوه، 1416، ج3، ص 80.
33. موسوعة كلمات الامام الحسين (ع)، ص 575.
34. معراج السعاده، ملاحمد نراقى، ص 166.
35. لهوف، ص 92.
36. همان.
37. مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهاني، ص 636.
38. لهوف، ص 201.